

گزارش نشست نقد و بررسی کتاب "نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس"

زهرا ناظری

بشود، ثبت و ضبط بشود و کار تخصصی انجام بگیرد...» بخش‌های مختلف سپاه نیز در سال‌های اخیر، اقدام به گردآوری و تدوین آثاری با محوریت نقش مردم و استان‌ها در دوران دفاع مقدس کرده‌اند. سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج نیز در این راستا، نشست کارشناسی کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» را با هدف انسجام و هدف‌گذاری فعالیت‌های سپاه‌های استانی در زمینه‌ی نشر کتاب نقش استان‌ها در جنگ، شکل داد. این نشست با حضور و سخنرانی نویسندگان این دو اثر و جمعی از صاحب‌نظران و فرماندهان دوران دفاع مقدس هم‌چون سرداران حسن رستگارپناه، علی ناظری، عبدالله ملکی، محمد درودیان، حسن دری و گلعلی بابایی آغاز شد.

لزوم تعریف مفهوم «نقش مردم در جنگ»

سردار ملکی، جانشین سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج، در آغاز این

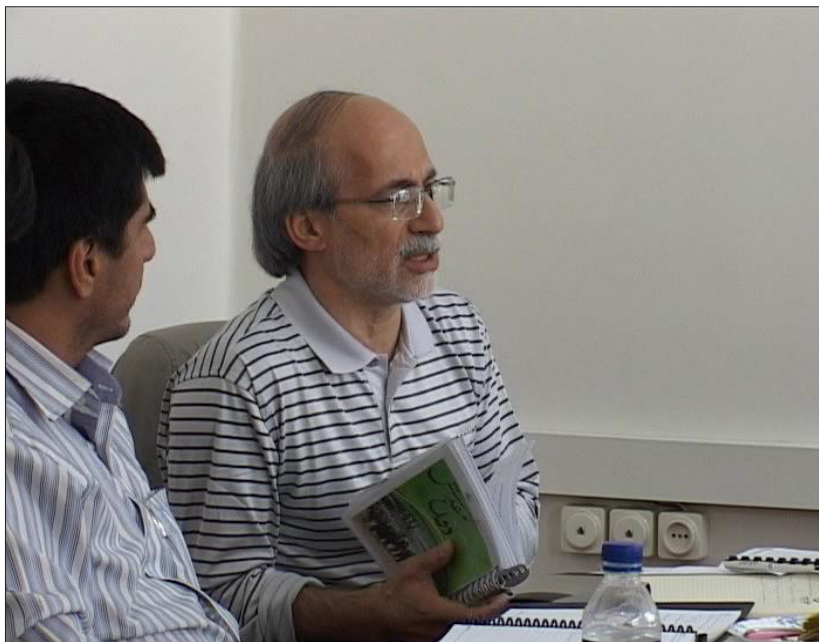
تأثیر حضور مردم در مقاطع مختلف دفاع مقدس، بر تقویت استقامت نیروهای مسلح در طول جنگ هشت ساله، بر کسی پوشیده نیست. شرکت نیروهای داوطلب در صحنه نبرد و پشتیبانی از جبهه و جنگ، با همدلی زنان و مردان و اقشار و اصناف در سراسر کشور، تنها گوشه‌ای از حمایت‌های مردمی از دفاع مقدس محسوب می‌شوند و ثبت و ضبط آنها در قالب مکتوب ضروری به نظر می‌رسد. رهبر معظم انقلاب (مدظله) نیز در بیاناتی در جمع رزمندگان و فرماندهان دوران دفاع مقدس، در تاریخ ۲۵ مهر ماه ۱۳۸۵ تأکید کرده‌اند: «دفاع مقدس، جنگ سر تا پا افتخار است. از همان روزی که رژیم صدام به تهران حمله کرد و فرودگاه را زد و تاروژی که امام (ع) قطع‌نامه را قبول کردند و تا بعد از آن که صدام دوباره حمله کرد و باز مردم مبارز و مجاهد ما ریختند و تمام صحرای این منطقه را پُر کردند و جوانان بسیجی از سرتاسر کشور که نمایش عجیبی نشان دادند و عراق را در نوبت دوم، مجبور به عقب‌نشینی کردند، سرتاسر این دوران، دوران افتخار است. جا دارد که کار هنری

لازم است روشن شود که آیا منظور ما از مردم، همان سپاه و ارتش و کسانی هستند که به صورت سازمانی در جنگ بوده‌اند و یا منظور ما، سازمان‌های دیگری هستند که مردم در قالب آن به جبهه‌ها می‌آمدند؟ آیا کسانی که در ابتدا به عنوان شخصیت معمولی در جبهه بودند و بعد آرام آرام، در دامن حوادث، استعدادشان بروز پیدا می‌کرد و در نهایت، فرمانده محور و یا لشکری می‌شدند، آنها جزو مردم به حساب می‌آیند یا در تقسیم‌بندی دیگری قرار می‌گیرد. آیا افرادی که خلاقیت، افتخارآفرینی و تدبیری در جنگ داشتند و یا کارهایی کردند که صحنه‌ای را از شکست به پیروزی تبدیل کنند، جزو مردم محسوب می‌شوند؟ این نقش و مؤلفه‌های آن چگونه باید شناسایی و در قالب کتاب، نوشته شود؟»

وی در ادامه، با طرح این سؤال که: «آیا صرفاً یک تاریخ‌نگاری معمولی برای تبیین نقش مردم در جنگ کافیهست؟»، تصریح کرد: «ما در این فکر هستیم که از نقش مردم در جنگ، هویت بسازیم و از این هویت،

نشست اظهار داشت: «یکی از مباحثی که در سال ۱۳۹۰، در نظارت‌های ستادی با حضور سردار نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، در سپاه‌های استانی انجام شد. بحث حوادث انقلاب بود. در این دیدارها به این نتیجه رسیدیم که یکی از دغدغه‌های سپاه‌های استانی، بحث کتاب به ویژه کتاب‌های نقش استان در دفاع مقدس و سایر حوادث است. در بحث حوادث کردستان نیز مقرر شد دایره‌المعارفی از حوادث عوامل انقلاب در کردستان و در سیستان و بلوچستان تهیه شود و حتی برای این موضوع پژوهشگاهی نیز راه اندازی شود. در خصوص استان‌های دیگر هم همانطور که اشاره شد تولید کتاب‌هایی با موضوع شناخت نقش مردم در دفاع مقدس مورد نظر می‌باشد. جلسه امروز به یکی از این تولیدات در استان آذربایجان غربی می‌پردازد که نتایج آن برای سایر استان‌ها نیز قابل بهره‌برداری خواهد بود.

سپس سردار علی‌ناظری گفت: «در این بررسی، در پی شناخت نقش مردم در دفاع مقدس هستیم. در ابتدا



سردار درودیان و حسن دری در جلسه نقد و بررسی کتاب نقش آذربایجان غربی در دفاع مقدس؛ ۹۲/۳/۱

بود. در سازمان بسیج، سه یا چهار سالی است که این موضوع مطرح است، تا این که رسماً از دو سال پیش، مصوبه‌ای از سوی سردار نقدی، ریاست محترم سازمان بسیج مستضعفین، آمد و از ما خواسته شد که دنبال جمع‌آوری و تدوین نقش یگان‌ها و استان‌ها در جنگ باشیم»

معاون انتشارات سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج، با اشاره به جهت‌دهی این طرح از طریق نامه‌نگاری با سپاه استان‌ها خاطرنشان کرد: «در حال حاضر تمامی استان‌ها مانند اصفهان، آذربایجان شرقی، کرمان و خراسان مشغول کار هستند. اما یکی از استان‌هایی که خیلی زود، اسناد را برای ما جمع‌آوری کرد و فرستاد، استان آذربایجان غربی بود. دو اثر با عناوین «استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» نوشته‌ی اسماعیل تقی‌زاده، جبرئیل هوشمند و علی رضازاده را برای ما ارسال کردند.»

وی درباره‌ی نقش استان آذربایجان غربی در جنگ گفت: «این استان در دو جنگ داخلی و عراق درگیر بود. همچنین برای لشکر ۳۱ عاشورا در جبهه‌ی جنوب نیز نیرو می‌فرستاد. این نشان می‌دهد که این استان، ظرفیت خیلی بالایی داشته و از تعهد بالایی برخوردار بوده است. پس از دریافت ما این دو کتاب آنها را برای ۴ کارشناس محترم فرستادیم که هر کدام، در موضوع خاصی تخصص دارند. یکی آقای «گلعلی بابایی» که شروع کننده این مسیر و مبدأ این الگو بود. او کتاب را خواند و نظر خود را به صورت کتبی اعلام کرد. برادر «سردار رستگارپناه» که غیر از تجربه جنگی، در بحث بحران این منطقه تخصص دارند و تمام منابع در اختیارشان است. «حسن دری» که یکی از متخصصان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بوده و بر جنگ هم احاطه‌ی کامل دارد. غالب نظرات ایشان، جنبه علمی دارد. «سردار محمد درودیان» هم نظراتشان درباره‌ی این دو کتاب را اعلام کردند که نظرات ایشان بیشتر در

بازآفرینی دیگری داشته باشیم؟ اگر بتوانیم در این مسیر حرکت کنیم یعنی باز آفرینی هویت کنیم، قطعاً مسائل گذشته در آینده، کاربرد خواهد داشت. با اتفافی که در جنگ افتاد، بخشی از انرژی مردم، با رهبری امام‌خمینی^(ع) در جنگ، بروز و ظهور پیدا کرد. این انرژی و توان جنگ را به جلو برد. این انرژی و قدرت قطعاً در مقطع کنونی هم با الگوگیری از درون دفاع مقدس، قابل تحقق خواهد بود.»

ناظری، سیر شکل‌گیری طرح تدوین نقش استان‌ها در دفاع مقدس را این‌گونه روایت کرد: «پیشینه‌ی این طرح، به کتاب «همپای صاعقه» نوشته آقای گلعلی بابایی و حسین بهزاد برمی‌گردد که از روی نوارهای رایوان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و یک سری از مدارک لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله^(ع) نوشته شده است. آن کتاب، خدمت رهبر معظم انقلاب^(مدظله) تقدیم شد. ایشان مطالعه کردند و در چند جا، در صحبت‌های عمومی و خصوصی به آن اشاره کردند. همچنین در سفری استانی که چند سال قبل به شیراز داشتند، در جمع فرماندهان سپاه و ارتش به کتاب «همپای صاعقه» و چند کتاب دیگر مثل «دسته یک» اشاره می‌کنند. رئیس دفتر نظامی رهبر معظم انقلاب^(مدظله) نیز در نامه‌ای به فرمانده کل سپاه این‌گونه می‌نویسند: «پیرو اوامر رهبر معظم انقلاب^(مدظله)، فرمانده کل قوا، به جنابعالی در جمع فرماندهان در لشکر ۹ فجر شیراز، مبنی بر این که کتاب‌هایی مانند «ضربت متقابل» و «همپای صاعقه» باید کتاب رایج دست کارکنان در سطح سپاه و خانواده‌هایشان باشد. صدها نوار و مصاحبه وجود دارد، باید استفاده کنیم. کتاب «دسته یک»، بسیار کتاب خوبی است. موضوع بسیجی‌ها و بدنه‌ی دفاع مقدس، لشکر ۱۴ امام‌حسین^(ع)، لشکر ۸، لشکر ۵، همه لشکرهای عمده سپاه چنین کاری بکنند...» سردار جعفری، فرمانده محترم کل سپاه، بلافاصله، دستور بلند بالایی به سپاه‌ها، نیروها و نمایندگی رهبری در سپاه صادر کردند که این امر محقق شود. این مبنای کار ما

هدف‌گذاری و جهت‌دهی این حرکت مؤثر بود.»

قواره‌ی علمی تدوین کتاب را نداشتیم

در ادامه این نشست، برادر جبرئیل هوشمند، مسئول مرکز حفظ آثار شهدای استان آذربایجان غربی و یکی از نویسندگان این دو کتاب، به تشریح سیر تدوین کتاب‌های استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس پرداخت و گفت: «وقتی در ستاد کنگره‌ی شهدای استان کار می‌کردیم، به این موضوع علاقه داشتیم و نشریه «یاد یاران» را منتشر می‌کردیم. به همین خاطر مجبور بودیم که از منطقه، سوژه استخراج کنیم. متوجه شدیم که واقعاً در حق استان آذربایجان غربی اجحاف شده است. اشخاص مؤثر و مکان‌هایی هستند که اصلاً در هیچ جایی اسم آن‌ها نوشته نشده است. از آن جایی که قبلاً این اطلاعات را استخراج کرده بودیم، گفتیم این‌ها را به شکل یک مجلد در بیاوریم که حداقل گم نشوند. اما نتوانستیم شکل کتابت آن را حفظ کنیم، چون قواره‌ی کار را نداشتیم. بخشی از این اطلاعات را در نشریه منتشر می‌کردیم و بخشی را نگه می‌داشتیم که بالاخره در این دو مجلد آمده‌اند. نقش استان آذربایجان غربی در جنگ برون‌مرزی، تأمین نیروی لشکر ۳۱ عاشورا، امداد و کمک‌رسانی این استان را به مجلد «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» اختصاص دادیم. بخش گروهک‌ها، گروه‌های پارتیزانی، نقش فرماندهان استانی و خارج از آن را در کتاب «استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» جمع‌بندی کردیم تا بدانیم که امنیت کنونی استان آذربایجان غربی را مدیون کاوه، باکری، بروجردی و شهید بهرامی هستیم.»

علی رضازاده، یکی دیگر از نویسندگان این دو کتاب، نیز به مشکلات پیش‌روی گردآوری اسناد مربوط به نقش این استان در دفاع مقدس پرداخت و گفت: «مسئولان استان می‌گفتند از آن جایی که اکثریت شهدای استان به دست ضداثقلاب و احزاب منحل به شهادت رسیده‌اند،

اگر این آمار و ارقام را استخراج کنید و به اطلاع مردم برسانید، این احزاب، خودشان را قدرتمند نشان می‌دهند و به این همه شهیدی که از شما گرفته‌اند، افتخار خواهند کرد. ما دیگر نتوانستیم کاری کنیم. این اسناد ماند تا دیدیم، در حال از بین رفتن هستند. بایگانی و بانک اطلاعاتی مناسب هم نداشتیم. به این فکر افتادیم که اگر این اسناد، حداقل در چند جلد گردآوری شوند، ماندگاری بیشتری خواهند

داشت. ما شاخصه‌های استان مثل عملیات‌های پاکسازی، محورهای عملیاتی، زمان‌بندی و تاریخ عملیات‌ها، تاریخ شهادت و یگان‌های عمل‌کننده را به صورت ابتکاری، تقسیم‌بندی کردیم و قواره خاصی نداشتیم که بر اساس آن پیش رویم. این کتاب‌ها در حد جمع‌آوری ابتدایی اسناد، به این شکل درآمده و امیدواریم که در این جلسه، معایب و نواقص آن رفع شود.» حسین غفاری، یکی دیگر از نویسندگان در سخنانی

کوتاه، با اشاره به اهمیت دسترسی محققان به اسناد و منابع مکتوب در هر تحقیق گفت: «درباره‌ی نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس، یک سری منابع مکتوب استانی و یک سری منابع مکتوب، خارج از استان موجودند. مثلاً بخشی از کتاب «نوالدین پسر ایران» درباره‌ی درگیری‌های مهاباد است. اما نهادهایی مانند بنیاد شهید و بنیاد حفظ آثار، اسناد و منابع را از آن خود می‌دانند و در اختیار محققان دیگر قرار

سردار ناظری:

پیشینه‌ی این طرح، به کتاب "همپای صاعقه" نوشته‌ی آقای گلعلی بابایی و حسین بهزاد بر می‌گردد که از روی نوارهای مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و یک سری از مدارک لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) نوشته شده‌اند



از چپ: سردار رستگارپناه، سردار ناظری، جبرئیل هوشمند، جلسه نقد و بررسی کتاب نقش آذربایجان غربی در دفاع مقدس - ۹۲/۳/۱

هستیم تا کتاب، براساس قالب و چارچوب مدنظر شما شکل گیرد.»

لزوم پیروی از الگوی جاری و جدید

حسن دری در ادامه‌ی جلسه‌ی کارشناسی کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار»، از ابتکار جدید مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با عنوان «نقد پیش از انتشار» یاد و تصریح کرد: «نویسنده با همراهی ناظر محتوایی و علمی، کار خود را پیش می‌برد و وقتی که کتاب در آستانه‌ی انتشار قرار می‌گیرد، دو استاد دانشگاه کتاب موردنظر را می‌خوانند و جلسه‌ی نقد پیش از انتشار، برپا می‌شود تا کلیتی از نواقص احتمالی کتاب در بیاید.»

وی خطاب به نویسندگان استان آذربایجان غربی گفت: «اگر می‌خواهید در حوزه‌ی تاریخ دفاع مقدس کار کنید، موضوع خود را محدود به منطقه‌ی خودتان نکنید، نه این‌که موضوع بزرگی را انتخاب کنید که

نمی‌دهند. در واقع، منابع محدود است و ما می‌خواهیم از همین منابع محدود، سریع خروجی بگیریم. احساس می‌کنم، کار مقداری سریع انجام شده و فقط در حد تدوین منابع بوده نه یک خروجی. بهتر است آن را در حد کتاب ببینیم و فقط در حد وقایع‌نگاری بر اساس مکتوبات ببینیم. پیشنهاد می‌کنم که نحوه‌ی تعامل، برداشت و استفاده از منابع را تعریف کنید و توالی، تقدم و تأخر زمانی، جغرافیایی و اشخاص را مورد تبیین قرار دهید تا تحقیق ما، روش مند شود.»

جبرئیل هوشمند نیز از توانایی‌ها و ظرفیت‌های استان آذربایجان غربی در زمینه تدوین کتاب‌ها دفاع مقدس یاد کرد و گفت: «برای تحقق این هدف، نیازمند شناسایی مجدد موضوع هستیم که این امر، مستلزم تعامل با یگان‌های مستقر در استان‌ها و جمع‌آوری میدانی اطلاعات است. آنچه ما جمع کرده‌ایم، با خواسته‌ی سازمان حفظ آثار سپاه و بسیج فاصله دارد. چون جمع‌آوری‌ها محدود است و همچنین پاسخگوی نیازهای استان نیست. ما نیازمند همکاری همه‌ی رده‌ها

«همپای صاعقه» و دو کتاب مذکور خاطر نشان کرد: «باید تلاش کنید که موضوع و حوادث و وقایع منطقه‌ی خودتان را به نگارش درآورید. به نظر من کتاب «تاریخ بیست ساله‌ی پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور؛ ۲۲ روز حماسه و ایثار در سنندج» نوشته مجید نداد، یکی از نمونه‌های شاخص در زمینه‌ی حوادث جنگ در استان هاست. این کتاب، فقط واقعه‌ای از جنگ را روایت کرده است. قطور بودن کتاب هم ضرورتی ندارد. کتاب باید اثری ماندگار باشد.»

سپس گلعلی بابایی، از نویسندگان و پیشگامان حوزه‌ی دفاع مقدس، به بیان موارد و نکاتی درباره‌ی دو کتاب «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» پرداخت. نکاتی از قبیل اینکه:

۱. از آن جا که کتاب «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» به لحاظ تاریخی تقدم دارد بر کتاب «آذربایجان غربی در دفاع مقدس» لذا پیشنهاد می‌شود این کتاب در رتبه اول باشد و آن یکی دوم.

۲. مقدمه‌ی کتاب «آذربایجان غربی در دفاع مقدس» بسیار طولانی و کمی هم شعاری است. ضمن این که مقدمه‌ی دوم هم که مقدمه‌ی شروع جنگ است، طولانی و بدون ذکر منابع و مأخذ می‌باشد. (از ص ۳ تا ۴۹)

۳. به لحاظ نشر و روایت مستند اتفاقات تاریخی و هم چنین ذکر منابع، کتاب «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» از انسجام بیش‌تری برخوردار است و منابع

نه تنها به منابع آن دسترسی ندارید، بلکه در جایگاه بررسی آن هم قرار ندارید. گاهی شخصی مانند سردار رستگارپناه که چندین سال، فرمانده آن منطقه بوده‌اند و مسائل را از بالا می‌دیدند، کتابی تحلیلی می‌نویسند و گاهی رزمنده‌ای از نگاه خودش، اثری مانند «دسته یک» را می‌نویسد. در نگارش کتاب باید زاویه دید را مشخص کرد که متأسفانه این دو کتاب، چنین ویژگی‌ای ندارند.» مدیر اطلاع‌رسانی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ادامه داد: «ساختار و سازمان و منابع اخبار و اطلاعات، در کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین

امنیت پایدار» مشخص نیست. هم چنین طرح و روش تحقیق درستی نداشته و محدوده‌ی تاریخ آنها هم روشن نیست. در ضمن ادبیات این گونه کارها نباید شعاری و مقایسه‌ای باشد و اشاره به حوادث هم نباید یکی از راهبردها باشد. اگر بگوییم که فعلاً فقط خواسته‌اید، اطلاعاتی را جمع‌آوری کنید، کار خوبی است. اما باید اطلاعات خود را محدود و مشخص جمع‌آوری

کنید. برای مثال می‌توانید، درباره موضوع یا حادثه‌ای بزرگ در جنگ متمرکز شوید. الگوی این پروژه باید الگوی جاری باشد. کتاب «همپای صاعقه» سال ۷۹ چاپ شده و نظر رهبر معظم انقلاب^(مدظله) مربوط به آن مقطع است. حدود ۱۳ سال از آن زمان می‌گذرد و هنوز هم کتابی درباره‌ی نقش استان‌ها و یگان‌ها در دفاع مقدس منتشر نشده است. رهبر معظم انقلاب^(مدظله) می‌خواستند تأکید کنند که نویسندگان باید این کار را انجام دهند؛ نه این که تصور کنید که کتاب «همپای صاعقه» یک الگوی صد در صد است.»

دری با اشاره به تفاوت محتوایی و موضوعی کتاب

سردار رستگار پناه: تاریخ جنگ در شمال غرب کشور، با در هم آمیختن چند روش تدوین می‌شود. یکی روش تاریخ نگاری براساس روش تحقیق کیفی است و دوم روش حادثه نگاری است

افزایش پیدا می‌کند. لذا نویسنده، باید بر روش علمی

کار تحقیق، مسلط باشد.»

ایشان چنین ادامه دادند: «تاریخ جنگ در شمال غرب کشور، با درهم آمیختن چند روش تدوین می‌شود. یک روش، تاریخ‌نگاری بر اساس روش تحقیق کیفی است و دوم روش حادثه‌نگاری است. پس پیچیدگی روش تحقیق در موضوعات شمال غرب کشور، آن را مشکل‌تر می‌کند و درهم‌آمیختگی کار، مستلزم تبصره

خاص نویسنده است.»

وی با تقدیر از گردآورندگان کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» گفت: «این کتاب‌ها نیاز به ساختاربندی و مستندسازی دارند. عنوان کتاب برای محتوای آن سنگین است. اگر قرار باشد کتابی درباره‌ی «تأمین امنیت پایدار در استان آذربایجان غربی» نوشته شود، باید خدمات تحقیق و عناوین و سرفصل‌های تحقیق، به نسبت آن وزن داشته باشند. من پیشنهاد می‌کنم که محققان بیابند و پنجاه حادثه و موضوع را انتخاب کرده و به صورت هدفمند پیش روند. این روش، همان مسیری است که کتاب حماسه‌ی ۲۲ روزه‌ی سنج‌رفته است. با این شیوه، زودتر به نتیجه می‌رسیم و پیام دقیقی برای مخاطب داریم و نقش مردم نیز به خوبی تبیین خواهد شد. قرار نیست که حتماً کتاب «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس»، قطور باشد. می‌توان سالی ۱۵ تا ۲۰ عنوان کتاب با محوریت حوادث و وقایع منتشر کرد و از جزء، به کل رفت و تأمین امنیت پایدار استان را این‌گونه روایت کرد. نویسنده می‌تواند، فرآیند نزول و سقوط دشمن در منطقه‌ی غرب را به خواننده القا کند. همچنین اعلام جدا بودن خط مردم از ضدانقلاب نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. اینها باید در مکتوبات به ثبت برسند.»

در پایان ایشان جمع‌بندی کلی‌ای را به ویژه در مورد کتاب «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار»

بیش‌تری را ذکر کرده است.

۴. در هر کتاب مشکل اصلی، بیان اتفاقات از زبان نویسندگان کتاب است. در حالی که برای هر کدام از اتفاقات جاری در این دو مجموعه که بسیار هم مهیج هستند اگر از خاطرات راویان استفاده می‌شد هم غنای کار را بیش‌تر می‌کرد و هم بر جذابیت آن می‌افزود.

۵. به طور کلی این دو کتاب به لحاظ نوع نگارش و بیان اتفاقات، بسیار مختصر و گذرا هستند می‌توانند با عنوان «روزشمار حوادث در این استان» به حساب آیند نه کار کارنامه‌ی عملیاتی-تاریخی استان آذربایجان غربی.

۶. اگر در همین حد هم بخواهیم این دو کتاب را به چاپ برسانیم، حتماً به بازنویسی، ویراستاری و هم چنین صفحه‌بندی قوی‌تر نیاز می‌باشد.

۷. در هر دو مجموعه و به خصوص کتاب اول نویسندگان محترم در ذکر منابع و مستندات کتاب، کم لطفی به خرج داده‌اند و بسیاری از منابع و مراجع را ذکر نکرده‌اند و این از اعتبار نوشته‌ها می‌کاهد.

۸. آنچه بیان شد دلیلی بر آن نیست که تلاش پدیدآورندگان این دو مجموعه را نادیده بگیریم، بلکه قطعاً آنها بابت این دو کتاب تلاش‌ها و زحمات بسیاری را کشیده و متحمل شده‌اند.

سپس سردار رستگارپناه، از سیر نشر کتاب «تاریخ بیست ساله‌ی پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور؛ ۲۲ روز حماسه و ایثار در سنج‌دج» و فراز و فرودهای تصحیح آن از سوی صاحب‌نظران یاد کرد و افزود: «هر محقق از نقد کتابش خوشحال می‌شود. چون این نقدها باعث رشد و اصلاح کار نویسنده می‌شود. هرچه نقد، بیشتر باشد، پالایش محتوایی اثر

ارائه داده و نکاتی را مطرح کردند که:

به سردشت و مهاباد به موکان توضیحات و شرح کامل تری آورده شود.
 ۷. فصلی باید به جهت‌گیری عملیات‌های آزادسازی و رسیدن به نوار مرزی با شرح کامل اختصاص داده شود.
 ۸. باید ضمن توجه به سیر فرآیند تأمین امنیت در منطقه آذربایجان غربی تک تک موضوعات ذیل تجزیه و تحلیل شده و اثرات آن در تأمین امنیت سنجیده شود. موضوعاتی مثل آزادسازی شهرها، تأمین محورهای مواصلاتی، عمق بخشی به امنیت، تأمین امنیت به دست مردم، رسیدن به نوار مرزی، تهدید و انهدام عقبه‌ی ضد انقلاب در عراق، به تسلیم کشاندن نیروهای ضد انقلاب، عملیات مردم یاری رزمندگان، اثرات طرح‌های فرهنگی بر مردم، راه‌سازی یگان‌های ارتش از مناطق جمعیتی، گسترش نیروی انتظامی، عادی سازی امنیت و بالاخره واگذاری امنیت به مردم.

۱. در این گونه کارها باید از شهدای بومی، ارتش و ژاندارمری حتماً نام برده شود.
 ۲. برای همه‌ی موارد نقل شده باید منابع و سند جزء به جزء ارائه شود.
 ۳. بعضی از بخش‌ها ناقص و ناتمام است و پیام و حرفی برای مخاطبان ندارد که بهتر است حذف شود.
 ۴. در تحلیل حوادث، گاهی اغراق‌هایی صورت گرفته که با واقعیت منطبق نیست و این ارزش کار را پایین می‌آورد.
 ۵. در عنوان بندی باید فصلی به پیام‌ها و نظرات امام راحل^(ره) اختصاص داده شود.
 ۶. در مجموع باید در خصوص عملیات‌های مهمی مثل آزادسازی جاده‌های پیرانشهر به سردشت و مهاباد



از راست: جبرئیل هوشمند، سرداران ناظری، رستگاریناه، ملکی، درودیان و آقای دری؛ جلسه نقد و بررسی کتاب نقش آذربایجان غربی در دفاع مقدس؛ ۹۲/۳/۱

ببینید. همین نشان می‌دهد که تحقیق جنگ در دور، باطلی افتاده است. یعنی گفتار، متأثر از یک متن بیان می‌شود و دوباره همان گفتار را به متن منتقل می‌کنیم. این حلقه باید جایی شکسته شود و بخشی از این کار، در تدوین آثار استانی محقق خواهد شد.»

وی بر لزوم بازنگری مجدد به برخی از مفروضات مطرح شده درباره‌ی جنگ تأکید کرده و اظهار داشت: «بعد از جنگ، فرضیه‌هایی درباره‌ی عراق و هدف آن‌ها از تجاوز به خاک ایران مطرح شد که ما دائماً درباره‌ی آن‌ها حرف می‌زنیم در صورتی که باید آنها را اثبات کنیم. من معتقدم که برخی از آن‌ها باید اثبات شوند. شما در بخشی از کتاب آذربایجان آورده‌اید که تجزیه‌ی کردستان، یکی از اهداف عراق از حمله به ایران بوده است. آیا واقعاً این‌طور بوده است؟ شما بر اساس چه سندی چنین حرفی را مطرح کرده‌اید؟ حتی مستنداتی که آورده‌اید، دال بر این موضوع نیست.»

این راوی جنگ، هدف‌گذاری پژوهشی کتاب‌های استانی را متفاوت با سایر آثار جنگ خواند و گفت: «اگر قرار باشد که در کتاب جنگ در خوزستان بگوییم که همه‌ی جنگ در آن جا رخ داده، دیگر جایی برای کسی باقی نمی‌ماند و همه مراکز مطالعاتی جنگ هم باید تعطیل شوند، چون همه‌ی جنگ، در خوزستان خلاصه می‌شود. بهتر بود که محققان استان آذربایجان غربی، فهرستی از مسائل استان را استخراج کرده و چارچوب کار را درمی‌آوردند و در نهایت، آن را به مثابه ظرفیت‌های استان به سازمان حفظ آثار ارائه می‌دادند. در این صورت، روش تحقیق متناسب با آن هم انتخاب و استفاده می‌شد. اهداف نویسندگان از تدوین کتاب‌های استانی باید عینی شود. یعنی اگر مقاومت مردم استان با یکی از اهداف عراق در ارتباط بوده، باید آن را اثبات کنید. وگرنه معلوم نمی‌شود که روح آن عمل، ناظر به چه نتیجه‌ای بوده است. در سطح کلان در مناطقی که بحران امنیتی داشته‌ایم،

از کتاب‌های مرکز اسناد کپی برداری شده است!

سپس سردار محمد درودیان، با اشاره به غیرقابل چاپ بودن کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» خاطر نشان کرد: «بیش از ۷۰ درصد از محتوای فصل‌های اول تا ششم، از متن کتاب‌های مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. حتی عین عبارت‌ها بدون ذکر نقل قول بیان شده که این رویه‌ی درستی نیست. متأسفانه این پدیده در حوزه‌ی دفاع مقدس باب شده که در هیچ تحقیقی پسندیده نیست. رویه‌ای بعد از جنگ برای تبیین مسائل آن باب شده که بنیان‌گذار آن، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بوده است. تفکر و روشی در تحقیق، شکل داده که من هم در آن نقش داشتم و امروز احساس می‌کنم، مهم‌ترین مشکل، فهم جنگ و روش تحقیق در جنگ شده است.»

وی در تشریح این دیدگاه، از کتاب‌های چاپ شده‌اش در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس یاد کرد و افزود: «هر کتاب برای زمان خودش

و با هدف پاسخ به شرایط خاص آن دوران نوشته شده است. اگر امروز مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، مشغول تدوین آثار جدید و جذب نیروهای محقق تازه است، همین نشانگر این است که شاید مرکز هم به متن‌های قدیمی خود التزامی نداشته باشد. یک‌بار به سردار رشید، مسئول وقت مرکز اسناد، گفتم مرکز مطالعات جنگ، خود را به روش «تاریخ‌نگاری مستند نقلی در یک سیر تاریخی» متلزم کرده است. چرا شما که جنگ را تدریس می‌کنید، به این روند التزام دارید؟ شما باید جنگ را در سطح نظامی و استراتژیک

سردار محمد درودیان:
تحقیقات جنگ در یک دوره
فعل شده است. یعنی گفتار
متأثر از یک متن بیان می‌شود
و دوباره همان گفتار را به متن
منتقل می‌کنیم. این حلقه باید
جایی شکسته شود و بخشی
از این کار در تدوین آثار
استانی محقق خواهد شد

با خلاء نظری روبرو هستیم. خلاء مبانی نظری باید با تحقیق هم‌زمان در استان‌ها و مراکز مطالعاتی رفع شود. جزئیات کار در استان‌ها استخراج شود و مبانی نظری را به مراکز مطالعاتی بسپارند. برای مثال، مبانی پیوستگی بحران‌های امنیتی در کردستان و خوزستان با جنگ چیست؟ باید نسبت این حوادث با فروپاشی ساختارها پس از انقلاب بررسی شود که هیچ اثری از این موضوع، در کتاب‌های استان آذربایجان غربی نیست. اگر قرار است که نقش مردم در جنگ مشخص شود، باید صورت مقاومت را روشن کنید وگرنه همه می‌دانند که مردم مقاومت کرده‌اند. باید این مباحث را عینی کرده و وارد جزئیات شوید. امکان بازنگری، اصلاح و نقد مبانی بسیاری از ذهنیت‌های اولیه که به درست یا غلط تولید شده، وجود دارد. این‌گونه کتاب‌ها با تلفیق سه روش تاریخ‌شفاهی، روایی و اسنادی نوشته می‌شوند. در واقع باید تحقیق جامعی انجام داد.»

ایشان هم چنین موارد و نکات ذیل را برای رفع کاستی‌ها و نواقص این دو اثر را بیان کردند:

۱. باید منظور ما از نگارش تاریخ مشخص شود. صرف تاریخ‌نگاری ارزشی ندارد. باید از این حرکت برای مردم کشورمان هویت‌سازی کنیم و از این هویت‌سازی، باز آفرینی قدرت مقابله با تهدیدات و جنگ‌های آینده بیرون بیاید.

۲. در بحث حضور مردم در یگان‌های سپاه باید به ریشه‌ها و چراها پرداخته شود. در این وادی مشکل اسنادی نداریم. مشکل ما، مشکل روش تحقیق است، روشی که ما را به آن هدف برساند. (متد و روش)

۳. انتخاب متد و روش تحقیق نیز نباید ما را به یک سری داده‌های مشابه در همه یگان‌ها و استان‌ها برساند که خسته‌کننده و تکه‌ای باشد، بلکه باید به ویژگی‌ها و اختصاصات مردم هر استان

جداگانه پرداخته شود.

۴. بحث روزشمار در شروع این گونه کارها از ضروریات و اولویت‌های کار است.

۵. باید به نقش‌های محوری و تعیین‌کننده در جنگ و پشتیبانی از جنگ نظیر فرماندهان، استناداران، امامان جمله با ذکر تأثیرات و ویژگی‌های آن پرداخته شود.

۶. به ارتباط بعضی مسائل و موضوعات یگانی و استانی با مسائل کلی نظام و کشور نیز باید اشاره شود.

۷. باید فرقی هم بین کار استان‌های درگیر در جنگ و استان‌های پشتیبانی کننده باشد.

۸. پرداختن به این‌گونه پروژه‌ها به ویژه در تاریخ‌نگاری با رویکرد شناخت نقش مردم که کار جدید و تازه‌ای است، نیاز به محققین خاص همراه با آموزش‌های مرتبط با موضوع دارد.

در پایان نشست کارشناسی کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار»، سردار علی ناظری گفت: «تصور می‌کردم که نقش مردم در دفاع مقدس، به این معناست که باید نقش مردم در مقاطع غیر از عملیات‌ها استخراج شود اما با این تفاسیر، نقش مردم در عملیات‌ها و قبل از آن باید مشخص شود. ما باید وقایع‌نگاری و یا روزشمار استان آذربایجان غربی را از بعد از پیروزی انقلاب آغاز کنیم و تا پایان جنگ بیاوریم. به نظرم کتاب نقش این استان در جنگ، تلفیقی از وقایع‌نگاری، خاطره، ادبیات و تاریخ‌شفاهی خواهد بود. یعنی تاریخ‌نگاری صرف و بدون روح نیست. اما بی‌شک، استفاده از قواره‌ی علمی در این پروژه قطعی است. برای تحقق این کار، کارگاه‌های آموزشی پیش‌بینی خواهیم کرد تا نویسندگان استان آذربایجان غربی و سایر استان‌ها با روش تدوین علمی آثار، آشنا شوند.»